

## باز تعریف شهر "ژنریک"

شهر ژنریک شهری است که با مفهوم متعارف شهر بیگانه است و نحوه‌ی شکل‌گیری آن نیز با اصول و قواعد رایج شهرسازی در غرب تفاوت دارد. برای توصیف شهر ژنریک باید کلمه‌ی "عدم وابسته" را پیش از تمامی ویژگی‌های آن نام برد؛ شهری است بدون وابستگی به بنیان‌های خود، بدون وابستگی به تاریخ، بدون یک هویت مشخص و دائمی، بدون برنامه‌ریزی ثابت و از پیش تعیین شده، فاقد هر جریان جامعه‌شناختی دائمی و ثابت و فاقد ... .

شهر ژنریک به‌خاطر عدم ضرورت مصرف دائمی همه چیز، فاقد دارایی ثابت است و سنت و کلاسی‌سبزم را بدل از دارایی که فاقد آن است، مصرف می‌کند. این فقدان کمک می‌کند که شهر ژنریک مشکلات خود را بدون درد بگذراند.

شهر ژنریک شهری است بدون وابستگی به هویت، که نه تنها در وجه سابقه‌ی تاریخی و بافت شهری، بلکه از نظر شخصیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی ساکنانش مرتباً تغییر‌یابنده است. نحوه‌ی حرکت مردم در فضاهای تفریحی و خرید، جمع شدن‌ها و پراکنده شدن‌ها در جریان امور روزمره در حالی که فضاهایی چون بازار و بازارچه به پاساژ و خیابان‌های راسته‌ی خرید و فضاهای گردشگاهی با محورهای ترافیکی و بزرگراه‌های شهری ادغام شده‌اند و بدین ترتیب محل‌های تجمع، گفت و گو و تبادلات شهری به جریانی کاملاً پویا و تحول‌یابنده در مناسبات درون‌شهری تبدیل شده است. فضاهای سبز و طبیعی شهری، جای خود را به مجموعه‌های سبز مصنوعی و سطوحی داده‌اند که به‌عنوان پارک، مورد بهره‌وری انواع حرکت‌ها و اتفاقات قرار دارند و بسیاری تحولات دیگر از این دست، تصاویری را ترسیم می‌کند که نمایانگر یک زندگی شهری با مناسباتی آرمان‌گرایانه شهرسازی مدرن نیست و با اصول جامعه‌شناختی یا اخلاقی و یا مذهبی خاصی مطابقت ندارد؛ بلکه بیشتر به نمایشی شبیه است، که هر روز در صحنه‌ی پر اغتشاش شهر آغاز می‌شود و شب به پایان می‌رسد در حالی که می‌تواند روز بعد عیناً تکرار شود و یا نشود.

در شهر ژنریک خیابان تعریف قدیمی خود را ندارد و هنر دیالوگی است دائمی که حتی روی بیلبوردها ارائه می‌شود.

فرهنگ در شهر ژنریک تنها به‌معنای کاربرد ضرورت‌ها نیست. آنچه قبلاً غیرضروری محسوب می‌شده است نیز می‌تواند به هنر بدل شود. بسیاری از مباحث طرد شده سابق دوباره رایج می‌شود و مشروعیت پیدا می‌کند. زبان جدید، آداب جدید و گستاخی در همه‌ی امور هنری معماری، ادبیات، سینما،

آرایش، آشپزی و در جریان زندگی، امری طبیعی جلوه می‌کند. در شهر ژنریک زیرساخت‌ها شبکه‌یی، عمومی و دائمی نیستند بلکه موضعی، خصوصی و مقطعی عمل می‌کنند و با هم در رقابت‌اند.

در شهر ژنریک شبکه دسترسی نوین گرچه باعث گسستگی کالبدی شهری است (نه پیوستگی) و شبکه‌ی بزرگراه‌های شهری هستند که شهر را از هم گسیخته‌اند و به جای انسجام شکل سابق، انسجامی مدرن و غیرکالبدی (غیر شکلی) حادث شده است.

توسعه، تأمین نیاز و هر حرکت دیگر علاوه بر معمول در جهت سیاست هم کار عمل می‌کند. معماری شهر ژنریک در مرز گذر از توسعه نیافتگی است. با پشت‌سرگذاری معماری مدرن همه چیز به صورت چسباندن به یکدیگر و نه با یک طراحی، به نظر می‌رسد. در حالی که هندسه‌ای نوین را در بطن خود دارد.

متوسط‌ها به بالاترین سطح، ارتقاء پیدا می‌کنند و سلیقه‌های فردی، مشروعیت می‌یابد. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد سرهم‌بندی کردن، اساس کار است و هنر از وجه پسند عام موضوعیت دارد.

آیا می‌توان گفت که شهر ژنریک در ادامه‌ی دهکده‌ی جهانی است؟ و آیا شهر ژنریک سرنوشت محتوم همه‌ی شهرها به‌ویژه شهرهای ظاهراً رو به توسعه‌ی آسیایی است؟ مهم آن است که اگر شهر ژنریک سرنوشت محتوم همه‌ی شهرها باشد و یا به علت غفلت ما حادث شود در هر دو حالت هرآنچه بر روال جزمی و خشک سابق می‌گوییم و انجام می‌دهیم، جز اتلاف وقت و سرمایه و انرژی نیست؛ چه در بخش اجرایی و عملی شهرسازی و معماری باشد و چه در بخش طراحی و برنامه‌ریزی شهری و یا اخلاق و فرهنگ اجتماعی بلکه باید بیاموزیم که ما هم خود نیز بخشی از این نمایش هستیم که هر روز در صحنه‌ی تئاتر شهر اجرا می‌شود و دیگر هرگونه آینده‌نگری آرمان‌گرایانه و یا مبارزه برای هدف‌های ثابت و غیرقابل تغییر برنامه‌ریزی شده متعالی، هرچند به واژگون شدن ظاهری آن مناسبات بیانجامد، در نهایت به دامان شهر ژنریک باز خواهد گشت. از سوی دیگر اگر شهر ژنریک نامطلوب نیست و می‌تواند سرنوشت محتوم شهر باشد، برای هموار کردن مسیر حرکتی که به تحقق آن می‌انجامد چه باید کرد؟

در شهر ژنریک انسان با ابزارهایی تعریف می‌شود که زندگی او را شکل داده است. انسان شهر ژنریک با خودرو، تلفن همراه و رایانه‌ی دستی درون کیفش شناخته می‌شود. انسانی که فارغ از همه‌ی این ابزارها باشد انسان غیر شهری است و موجودی بیگانه و در شهر ژنریک با توجه به این مفهوم معنایی ندارد و شهر در جهت نفی مفهومی آن شکل می‌گیرد.

انسان امروز، ساکن شهرهای مدرن گرفتار کار و تأمین نیازهای زندگی است. او انسان شهر ژنریک است و اگر زمان‌هایی را نیز به رفع خستگی و کدورت ناشی از رفتاری‌های زندگی می‌گذراند، فرصت اندیشیدن به چگونگی

هستی خویش را ندارد. انسان گرفتار ابزارهای زندگی جدید در فضاهایی محدود، امکان تفکر و ارتقای ذهنی و روحی خویش را نخواهد یافت و تنها انسانی می‌تواند به این مفهوم دست یابد که به‌جای گرفتار بودن در این شبکه، با بهره‌وری صحیح از ابزارها و تکلفات زندگی جدید، را به فرصتی برای خویشتن خویش مبدل می‌سازد.

این انسان است که او را "انسان امروزی" می‌نامیم و کسی است که به هستی خویش می‌اندیشد و این اندیشیدن در زمان فراغت اتفاق می‌افتد. هرگونه مکاشفه، تفکر، حفظ ریتم و پیماد طبیعی درونی، در فراغتی عاری از تنش میسر است. فضای امن شهری باید فضای فراغتی باشد، که در آن تجربه‌ی عنصرهای شهری، اعم از ساختمان، راه، باغ، درخت، انسان، چشم‌اندازها، هم‌زمان با امکان معاشرت و رشد رابطه‌های انسانی به‌دست آید. این فضای امن را می‌توانیم شبکه‌ی حرکت آزاد و قابل تغییر بنامیم.

شهر ژنریک در تضاد با فضاهای ثابت و از پیش تعیین شده به‌عنوان اساسی‌ترین شبکه‌ی حرکت درون شهری، همه‌ی عنصرهای شهری و گروه‌های اجتماعی را در یک فضای آزاد رها کرده است. گسترش عمودی، جدا افتادگی و عدم تعهد خشک به تناسب مکانی در فضاهای مسکونی، مراکز خرید، پارک، هتل و نمایشگاه به‌صورت گسسته از هم که تونل‌های شهری، آنها را به هم متصل می‌کنند شکل کلی شهر است. این تونل‌های شهری که شبکه‌ی اصلی آن بزرگراه‌های شهری است و حرکت سریع خودروها در آن موجب گسیختگی فضای شهری با تعاریف گذشته خواهد بود، و با تعریف شهر ژنریک به‌عنوان فضای قابل شکل‌گیری به‌وسیله مصرف‌کننده، به مفهوم فضای آزاد، در جریان کلی زندگی وسعت می‌یابد و زندگی جبری به پوسته‌ی نازکی تبدیل می‌شود و جای خود را به زندگی انتخابی می‌دهد.

در شهر ژنریک همه چیز توخالی است. در فضای آزاد ناشی از آن هر کسی مجاز به هر کار مجازی است. شهر ژنریک در تقابل با وابستگی یا مقید بودن به هر چه که در جریان طبیعی زندگی، دست و پاگیر اوست قرار داشته و از جذابیت آزادی تسلیم به ضرورت‌ها و واقعیت‌ها برخوردار است. محتاج نگهداری نیست به شکل ثابت نیست، مصنوعی است و می‌تواند هر زمان، مانند استودیویی در هالیوود، هویت جدیدی برگزیند. این تنوع هویتی در کنار گذشته‌یی بسته‌بندی شده، کنتراستی دارد که دارای جذابیت است. چون توریسم، سرمایه‌ی شهر ژنریک است به این معنا که هیچ کس اهل شهر ژنریک نیست، چون به آن وابستگی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ندارد، بلکه ضرورت (که مفهوم پیچیده‌یی است و مفهوم خاصی از وابستگی اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد) او را در آن شهر ساکن کرده است. پیچیدگی آن به‌دلیل آن است که ضرورت، تنها یک مفهوم فیزیکی نیست، بلکه همچنین مفهومی ذهنی است که تلاقی این دو، وجه مفهومی ترانزیت را شدت می‌بخشد. شهر ژنریک فضای ترانزیت است.

بدین ترتیب شهر ژنریک شهریست که خود را از قید برنامه‌ریزی ثابت و جزمی گذشته خلاص می‌کند و فضای آزاد انتخاب را برای شهروند فراهم می‌آورد، بر اثر تحولات تغییر می‌کند و بروز می‌شود. این شهر با پشت‌سر گذاردن وابستگی‌های ناشی از مکان، همبستگی‌های اجتماعات و اقشار مختلف را در شکل غیر فیزیکی فراهم می‌آورد و پیام‌آور شهرهای نوین آینده است.

لذا ضرورت دارد که شهرسازان ابعاد مختلف آن را بشناسند و خود را در مسیر آن قرار داده و به شکل‌گیری مناسب آن کمک نمایند. نه اینکه با وابستگی نوستالژیک بر شهرهای سابق که دوباره قابل بازگشت نیستند، در مقابل آن بایستند.

سهراب مشهودی